



اسلام در آرژانتین

سخن از اسلام در آمریکای شمالی و لاتین به روشنی پرده اسلامی که قلبها را به تسخیر خود در آورده است بر می دارد و هر چه ملت های آمریکایی بیشتر با حقیقت اسلام آشنا می شوند تمایل بیشتری برای پذیرش این دین پیدا می کنند.

به گزارش تقریب(تنا)، دکتر نصیر الخزرجی در مطلبی پیرامون اسلام در آمریکای لاتین آورده است: تجارب بشری دلالت بر آن دارند که هیچ اندیشه، نظریه و اعتقادی را نمی توان با زور سرنیزه و خشونت به جامعه و ملتی تحمیل کرد زیرا هر اعتقادی که به اجبار پذیرفته شده باشد پس از مدتی از بین می رود و چه بسا از بین رفتن آن مضرات بیشتری را به دنبال داشته باشد.

به همین دلیل بود که پیامبر اسلام همواره از وارد کردن مردم در دین اسلام به زور شمشیر امتناع می ورزیدند.

همچنین تجربه ثابت کرده است که جامعه ای که اندیشه ای را از خارج از محیط جغرافیایی خود می پذیرد به شدت به آن پایبند بوده و از آن دفاع می کند و برای نشر آن تلاش می کند.

شکی نیست که مهاجرت مسلمانان به سوی آمریکای شمالی و لاتین در قرن های گذشته اثر زیادی در ایجاد مجموعه های مسلمانان در این مناطق داشته است.

کتاب "اسلام در آرژانتین" به قلم دکتر شیخ محمد صادق کرباسی به بررسی این موضوع می پردازد که به قسمت هایی از این کتاب اشاره می شود.

حضور مسلمانان در آرژانتین به قرون نخست کشف قاره آمریکا باز می گردد؛ برخی معتقدند مسلمانان اندلسی که پس از سقوط اندلس در سال ۱۴۹۳ بالاجبار دین خود را تغییر داده و مسیحی شده بودند نخستین مهاجران مسلمان در آرژانتین را تشکیل می دهند.

این افراد در آرژانتین با همان مشکلاتی مواجه بودند که برادران آنها در اسپانیا با آن دست و پنجه نرم می کردند زیرا آرژانتین نیز در آن زمان تحت سلطه اسپانیا قرار داشت پس از آن در مراحل مختلف مسلمانان به ویژه از سرزمین شام به این کشور مهاجرت کردند به گونه ای که نیمه دوم قرن نوزده میلادی شاهد مهاجرت وسیع اعراب از سوریه به آرژانتین بود.

موج دوم مهاجرت در نیمه اول قرن بیستم میلادی صورت گرفت و در طول جنگ جهانی اول و پس از آن افزایش یافت با این تفاوت که در این زمان بیشتر مهاجران از اعراب مسیحی بودند.

شکی نیست برخی از این مهاجرین در پی یافتن امنیت اقتصادی به این کشور مهاجرت کردند.

بر اساس سرشماری های سال ۱۹۶۰ مسلمانان عرب ۱۰ درصد از جمعیت آرژانتین را به خود اختصاص دادند.

هم اکنون آمار دقیقی از تعداد مسلمانان در آرژانتین در دست نیست به گونه ای که برخی منابع تعداد آنها را ۹۰۰ هزار مسلمان یعنی ۲۵ درصد از جمعیت ۳۷ میلیونی تخمین می زنند که بیشتر آنها در پایتخت زندگی می کنند اما برخی از منابع اسلامی تعداد مسلمانان و مسیحیان عرب را نزدیک به یک میلیون نفر که بیشتر آنها از سوریه هستند تخمین می زنند و برخی دیگر معتقدند ۳ و نیم میلیون نفر مسلمان و مسیحی عرب در این کشور حضور دارند که یک پنجم آنها در پایتخت زندگی می کنند.

همین منابع گویای این مطلب هستند که ۶۰ درصد از جوانان نسل دوم توانایی سخن گفتن به زبان عربی را ندارند و تنها ۱۰ درصد از نسل سومی ها می توانند به زبان عربی سخن گویند و همین امر موجب حذف روزنامه های عربی محدود شدن هویت اسلامی به خانه ها شد. نکته قابل ملاحظه آن است که حرکت مسلمانان و مسیحیان عرب از سوریه به آرژانتین متوقف شده است و در مقابل تعداد زیادی از مسلمانان پاکستان، بنگال، هند به این سرزمین سرازیر شده اند به همین دلیل نسبت مسلمانان غیر عرب به عرب ۵۵ درصد است.



شکی نسبت که "کارلوس منم" رئیس جمهور پیشین آرژانتین که مسلمان و سوری الاصل بوده و سپس به مذهب کاتولیک در آمد، نقش بزرگی در ایجاد ارتباط میان آرژانتین و جهان عرب و آماده کردن زمینه های مناسب برای مهاجرین عرب به ویژه در سال های (۱۹۹۹-۱۹۸۹ م) داشته است.

در رابطه با مراکز اسلامی در آرژانتین باید گفت: سنگ بنای نخستین مسجد در آرژانتین در سال ۱۹۹۹ گذاشته شد و ساخت مساجد و مراکز اسلامی در این کشور به آرامی رو به افزایش می رود.

حضور گسترده مسلمانان در آرژانتین مقامات این کشور را بر آن داشته است قوانینی را تصویب کنند که براساس آن عیدهای فطر، قربان و آغاز سال نو هجری را برای مسلمانان تعطیل اعلام کرده و به مسلمانان اجازه دهند از اسامی اسلامی برای نوزادان خود استفاده کرده و این اسامی را در شناسنامه های رسمی به ثبت برسانند.

شعیبان آرژانتین

پدید آورنده : نامشخص ، صفحه 8

لطفاً ضمن معرفی خودتان، بفرمید چگونه با دین اسلام و مذهب تشیع آشنا شدید و در چه زمانی به بین مذهب روی آوردید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. اسم من عبدالکریم پاس است. پاس به زبان اسپانیایی — که زبان ماست — یعنی سلام. آرژانتینی هستم، 47 سال سن و سه دختر دارم. نام دختر اولم که در قم به دنیا آمد فاطمه معصومه است. هم او و هم مادرش در جامعه الزهرا مشغول تحصیل هستند. دو دختر دیگر هم دارم به نام های مریم و زهرا که هر دو آرژانتینی هستند. 25 سال است که الحمدلله مسلمان شده ام. من مسیحی کاتولیک بودم. در آرژانتین به دنیا آمدم و در سن 22 سالگی با اسلام آشنا شدم. در آن زمان مشغول تحصیل فلسفه در دانشگاه آرژانتین بودم؛ تقریباً نصف درس طی شده بود. علت ورود من به دانشگاه فلسفه، پیدا کردن حقیقت و خدا و معرفتی از خود بین جهان بود. الحمدلله توانستم در سال دوم تحصیل در بین دانشگاه در مسجد توحید که بعد از انقلاب از طرف جمهوری اسلامی ایران در پیخت آرژانتین ساخته شد با شیعیانی که در آرژانتین بخصوص در بوینس یرس هستند آشنا شوم. اقلیت شیعیان آرژانتین را مهاجران لبنانی، برخی از آرژانتینی هایی که مسلمان شده اند و نیز سوری های که علوی و دوازده امامی هستند تشکیل می دهند. بقیه مسلمانان آنجا سنی هستند. تعداد مسلمانان آرژانتین بین یکصد تا پانصد هزار نفر تخمین زده می شود؛ چون رسمی نیست و نمی توان یک آمار دقیق ارائه کرد. در کل کشور تعداد محدودی مسجد و انجمن ها و مراکز اسلامی وجود دارد. من دو سال درس خواندم و رشته فلسفه را تمام کردم و دیپلم گرفتم. بعد از آن برای آموختن درس اسلامی به قم آمدم و در سال 1366 در حوزه علمیه مشغول تحصیل شدم.

سبب آشنایی شما با جمهوری اسلامی چه بود؟

با یک نفر از روحانیان عزامی از ایران به نام محسن ربانی که برای تبلیغ به آرژانتین آمده بود و بعداً نماینده رهبر شد، آشنا شدم. ایشان از ما دعوت کرد تا در جلسات درسشان شرکت کنیم. من به مدت دو سال نزد ایشان درس خواندم. وی از من خواست که برای ادامه تحصیل به قم سفر کنم. من ابتدا در بین فکر بودم که فلسفه بخوانم، ولی کم کم با دین و حوزه و روحانیت آشنا شدم و تصمیم گرفتم که بییم حوزه. به مدت پنج سال مشغول درس بودم که از ما درخواست کردند به آرژانتین برگردیم. قرار بود دو سال آنجا باشم و بعد به تحصیل در قم ادامه بدهم، ولی به دلیل مشکلاتی که پیش آمد؛ از جمله اذیت دشمنان و کم بودن نیرو و اخراج شدن من نماینده عزیز از آرژانتین به خاطر توطئه هایی که دشمنان بریشان درست کردند، مجبور شدم که آنجا بمانم و سفرم را به تأخیر بیندازم. اکنون مدت سه سال است که به قم آمده ام و ادامه تحصیل می دهم.

چند درصد از مسلمانان آرژانتین شیعه هستند؟



5 فکر می‌کنم چند هزار نفر بیشتر نباشند که بیشتر در شرق پیخت زندگی می‌کنند. در این منطقه یک مسجد، یک حسینیه، و یک مدرسه ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و نیز یک ساختمان اجتماعی که مسلمانان در آنجا گرد هم می‌یابند وجود دارد. در این منطقه حدود 1000 تا 1500 شیعه زندگی می‌کنند و بقیه در استان‌های دیگر ساکنند.

طبق فرمایش شما، جامعه «شیعی آرژانتین از مهاجران و بومی‌ها تشکیل می‌شود. تعداد کدامیک بیشتر است؟

5 در حال حاضر تعداد مهاجران بیشتر است. البته روز به روز بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شود. ممکن است در آینده تعداد مسلمانان بیشتر هم بشود. مسلمانان مهاجر آرژانتین، قدیمی هستند؛ یعنی از 50 تا 100 سال پیش به این کشور مهاجرت کرده‌اند؛ مهاجران امروزی نیستند. اما در دیگر کشورهای آمریکای لاتین، مثل ونزوئلا و برزیل، مهاجران جدید هستند. در آرژانتین و شیلی و بعضی کشورهای آمریکای جنوبی مهاجران قدیم هستند، و این تأثیر زیادی دارد. چون فرهنگ و اسلام آنها ضعیف شد و با آرژانتینی‌ها مخلوط شدند و با آنها ازدواج کردند، نسل‌های دوم و سوم آنها نه عربی بلد بودند و نه به دستورات اسلامی عمل می‌کردند. و این تفاوت‌ها وجود دارد.

در نشست‌هایی که با آقای سیدجعفر مرتضی (بلغ لبنانی) داشتیم، ایشان می‌گفت از لبنان مهاجران زیادی به آرژانتین رفتند، اما الان که بعد از دو نسل برگشته‌اند، می‌بینیم — بری مثال — نام پدر علی و نام مادر زینب است ولی اسم فرزندشان را جرج گذاشته‌اند! یا همین‌طور است؟

متأسفانه ما زیاد دیدیم آرژانتین که افرادی می‌گویند پدر بزرگ ما کتابی داشت که به سمت خورشید حرکت می‌کرد؛ اصلاً خودشان نمی‌دانند، تا این حد در جهل به سر می‌برند. یا گاهی بدتر، وارد منزلی می‌شویم، همه اسم عربی دارند ولی اصلاً مسیحی هستند و خودشان نمی‌دانند. البته بعضی از آنها پس از مطلع شدن — با این عظمت و عزتی که از جمهوری اسلامی دارند و مخصوصاً لبنانی‌ها و نقش حزب‌الله — برمی‌گردند، ولی بعضی‌ها هنوز در آن جاهلیت هستند.

یا شیعیان مدرسه‌ای مختص به خودشان دارند؟

از پیش از انقلاب اسلامی ایشان داری مدرسه بودند؛ ولی یک چیز عجیب اینکه بین مدرسه تحت اداره سعودی‌ها بود و شیعیان از این امکان که بتوانند خودشان تشیع را یاد بگیرند یا طبق دستورات مذهب جعفری عمل کنند برخوردار نبودند؛ با اینکه مدرسه دست خودشان بود، ولی اداره و پول آن از طرف سعودی‌ها بود. مسلمانان و شیعیان قبل از انقلاب فقط در محدوده «روز عاشورا و ماه مبارک رمضان جمع می‌شدند و روضه داشتند. حتی جلسات عاشورا عربی خوانده می‌شد و پیرمردها بیشتر استفاده می‌کردند و جوان‌ها آشنایی کمتری با این مسائل داشتند. به قول خودشان، اگر انقلاب اسلامی ایران نبود، در 30 تا 40 سال اثری از تشیع در آرژانتین باقی نمی‌ماند.

پس ورود شیعه به آرژانتین را می‌توان از حدود یکصد سال قبل دانست؟

به دلیلی در لبنان سختی‌ها و جنگ بوده است؛ زندگی سخت بود و بعضی‌ها برای رهایی از این وضعیت به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. عده‌ای آمدند آرژانتین و عده‌ای هم به استرالیا رفتند. البته به صورت پراکنده برخی به اروپا و جاهای دیگر رفتند، ولی تعداد زیادی در آن موقع به این دو کشور مهاجرت کردند و الان رفت و آمد بین جامعه شیعه و خانواده‌ها بیشتر شده و بین استرالیا و آرژانتین و لبنان رابطه «بیشتری در این زمینه برقرار است.

اکنون شیعیان در آرژانتین چه برنامه‌هایی دارند و از چه راه‌هایی با مسائل مذهبی آشنا می‌شوند؟

برنامه‌های زیادی دارند. اولاً تا حدی مسئله زبان — که قبلاً بید به زبان عربی مسائل را مطرح می‌کردند و جوانان با آن آشنا نبودند

حل شده است. بیش از یکصد کتاب ترجمه و چاپ شده است، مجلات و روزنامه‌ها و برنامه‌های رادیویی به زبان اسپانیایی دارند. الان تقریباً همه اطلاعات وسیعی درباره اسلام دارند و اطلاعات جوانان بیشتر شده است. قبلاً اگر کسی مسلمان بود خجالت می‌کشید بگوید مسلمان هستم؛ در دانشگاه و محل کار نمی‌گفتند که من مسلمان هستم. دلیل آن این بود که چون اطلاعاتی درباره «اسلام نداشتند؛ اگر می‌پرسیدند اسلام چیست نمی‌توانستند جواب بدهند. از این رو، یا می‌گفتند مسیحی هستیم و یا اصلاً صحبت نمی‌کردند. ولی الان کاملاً فرق می‌کنند؛ خودشان تبلیغ می‌کنند، تظاهرات انجام می‌دهند و با جامعه و دانشگاه‌ها ارتباط خوبی دارند.

یا دولت این دین را به رسمیت شناخته است؟

بله. ما خودمان هم مسجد داریم و همه اماکن مذهبی دیگر که همه ثبت شده است و کاملاً قانونی است.

یا رقبی شما مثلاً، و هابی‌ها هم فعالیت دارند؟



البته فعالیت‌هایی دارند. در آرژانتین و بعضی کشورهای دیگر حدود 50 سال پیش مسلمان‌ها همه تحت الوهیت بودند، همه با هم بودند، بین شیعه و سنی به آن صورت تفاوتی نبود. هر چند در بین گروه‌ها مطرح بود، ولی خودشان جمع می‌شدند و مراکز تشکیلی می‌دادند. ولی آنها که از نظر ما به خارج وابسته بودند بیشتر از عربستان سعودی کمک می‌گرفتند. کم کم با انقلاب ایران، شیعیان متوجه شدند و بیشتر هویت خود را پیدا کردند. از این رو، عکس‌العمل سعودی‌ها و سنی‌ها باعث شد که بین اختلاف ایجاد شود. مثلاً، در جاهایی که سعودی‌ها خودشان اداره می‌کردند و پول می‌دادند، شریعتی گذاشتند و به شیعیان سخت می‌گرفتند. همین مسئله باعث شد بین تشکیلات و مراکز که به دست خود شیعیان و با اکثریت شیعه تشکیل شده بود کم کم از دستشان برود. از این رو، شیعیان مجبور شدند مراکز خود را به طور مستقل تشکیل دهند. البته بین اتحاد هنوز هم تقریباً وجود دارد؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً گفتم، آنان ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشتند؛ دوستی‌ها و ازدواج‌هایی در بین زمینه شکل گرفته بود. اگرچه بعد از انقلاب تا حدی بین آنها فاصله ایجاد شده است، اما جامعه مسلمانان در آرژانتین با هم ارتباط دارند و رفت و آمد می‌کنند. این خود یک عامل مثبت به شمار می‌رود. مثلاً، یکی از برنامه‌هایی ما نسبت به جامعه اسلامی این است که تولد حضرت محمد (ص) را با هم جشن می‌گیریم، البته غیر از وهابی‌ها که بعداً آمدند. بیشتر سنی‌ها آرژانتینی بودند؛ وهابی‌ها به آن صورت تبلیغ نداشتند، ولی حدود 10 سال بعد از انقلاب تبلیغ را جدی گرفتند و مبلغ فرستادند. آنها یک مرکز بزرگ در آرژانتین دارند که بری کل آمریکای لاتین است. حدود 40 میلیون دلار دادند و در نقطه خیلی مهم شهر که خیلی زیباست، مسجد بسیار بزرگی درست کردند. آنها برنامه‌هایی دراز مدتی بری بنده دارند؛ هیأت‌هایی می‌یند و مبلغان و کنگره‌هایی دارند که از قاره آمریکا دعوت می‌کنند. ولی در عین حال، با این هزینه‌ها هنگفتی که خرج می‌کنند نفوذ زیادی در جامعه آرژانتین ندارند. اما سنی‌ها یک مسجد دارند که مختص خودشان هست و جداست. این سنی‌ها که اکثر آرژانتینی هستند، با یک فکر خاص مستقل هستند. چون از نظر مالی وضعیت خوبی دارند، خودشان مرکز خود را اداره می‌کنند. آنان در جامعه آرژانتین بیشتر مطرح هستند و با شیعیان رابطه خوبی دارند. وهابی‌ها هر چند در رأس امور و قدرت قرار دارند، ولی هنوز به آن صورت جیگاهی در جامعه ندارند.

یا مواعی بری شما ایجاد نمی‌کنند؟

هنوز نه. البته ما دو نوع وهابی داریم: دسته‌ای با دولت هستند و دسته‌ای مخالف دولت. مخالفان دولت هنوز مزاحمتی بری ما ایجاد نکرده‌اند، اما احتمال آن وجود دارد. من فکر می‌کنم که اگر شیعیان رشد کنند و نقش آنها بیشتر شود، بعید نیست که مزاحمت‌ها شروع شود و به بهانه‌های شیعیان را اذیت کنند. فعلاً وهابی‌هایی که وابسته به عربستان سعودی هستند عقیدتی منفی نسبت به شیعیان مطرح می‌کنند که اثراتی دارد ولی به آن صورت نیست.

شیعیان بیشتر چه مشاغلی دارند؟

بسیاری از شیعیان تاجر هستند. در یک زمان بسیاری از آنها در کار صادرات گوشت بودند. آرژانتین یک کشور کشاورزی است و گوشت خیلی معروفی دارد که صادر می‌کند. بعضی از مسلمانان کشتارگاه دارند؛ چون اکثر کارگر کشتارگاه‌ها بودند. جوان‌های امروز دانشگاه می‌روند و در جاهای مختلف مشغول می‌شوند و اغلب آنها تاجر هستند.

یا با توجه به شغلشان که اکثر تاجر هستند زندگی خوبی هم دارند؟

نسبتاً نه خیلی عالی نه خیلی ضعیف. چون گفتم دلیل آنکه آمدند، فقر و مشکلات دیگر بود. بین آنها با سواد کم بود، ولی الان وضع آنها کمی بهتر شده است.

یا مؤسسات خیریه‌ی وجود دارند که شیعیان پول‌دار به فقیران کمک کنند؟

ما در مسجد یکی از این مؤسسات را تشکیل دادیم که چند سال است فعالیت می‌کند؛ هم به شیعیان کمک می‌شود و هم به غیرمسلمانان. دولت هم پشتیبانی می‌کند و سرمایه‌ی را در اختیار ما قرار می‌دهد؛ چون به عنوان خیریه ثبت شده است. دولت هم به ما و هم به بقیه کمک می‌کند، ولی در حد محدود. این مؤسسه هنوز خیلی قوی نیست که بتواند کارهای مهم انجام دهد یا ساختمان بسازد؛ فقط در حد اینکه احتیاجات اولیه برطرف شود. خیلی بزرگ و مهم نیست.

آیا شیعیان در رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون برنامه‌های خاصی بری خود دارند یا سیتی بری منظر طراحی شده است؟

ما در جامعه خود دو برنامه هفتگی داریم. قبلاً یک رادیو اف ام داشتیم که چون نتوانستیم اجازه رسمی بگیریم نتوانستیم ادامه دهیم، دنبال این هستیم که اجازه رسمی بگیریم. فعلاً در رادیوهای دیگر ساعات هفتگی اجازه می‌کنیم. در تلویزیون هم یک مدتی برنامه داشتیم و دنبال آن هستیم که دوباره آنها را راه بیندازیم. گرفتن اجازه رسمی بری ما بنا به دلیلی مشکل است؛ چون علاوه بر اینکه مسلمانیم، شیعه هستیم و دشمنان حساسیت دارند. غیر از این، یک فضای خاصی بر ضد شیعیان وجود دارد؛ انفجارهایی که رخ داده و تهمت‌هایی که تحت فشار



یهودی‌ها زده شد و می‌گویند شیعیان هم در آن نقش داشتند. از این رو، محدودیت‌های بیشتری در این زمینه داریم. با وجود این، ما را به برنامه‌های تلویزیونی دعوت می‌کنند. تاکنون چندین برنامه داشته‌ایم؛ در یک دوره، 13 برنامه یک ساعته گرفتند که در کل آمریکای لاتین پخش شد و کشورهای مختلف آن را دیدند و تکرار هم شد. ولی گاهی اوقات در برخی از برنامه‌ها که ما را دعوت می‌کنند در یک وضع ناشیست به ما حمله می‌کنند و ما باید موضع دفاعی داشته باشیم. ولی اغلب برنامه‌ها فرهنگی و دینی است که احترام بیشتری به ما می‌گذارند.

آیا کتاب و روزنامه هم دارید؟

یک روزنامه داریم که نام آن «المیزین» است. مجلات اختصاصی هم برای کودکان، خانم‌ها و آقایان داریم. دو مجله به نام «کوثر» و «تقلین» است که به زبان اسپانیایی منتشر می‌شود و یک مجله هم برای کودکان داریم.

یا در کل آمریکای جنوبی، آرژانتین مرکز ثقل کارها به شمار می‌رود؟

این مرکزیت بیشتر مربوط به وهابی‌هاست که یک پی‌پی‌ای برای کل آمریکای لاتین گذاشته‌اند. در آمریکای لاتین چند کشور از نظر اسلام کلیدی هستند؛ چون شیعیان در آنجا زندگی می‌کنند؛ از جمله سه کشور ونزوئلا، آرژانتین و برزیل. در بقیه کشورها هر چند مسلمانان حضور دارند ولی کلیدی محسوب نمی‌شوند، با اینکه فعالیت آنها خوب است؛ مثل شیلی و کلمبیا. کشورهای دیگر از جمله نیکاراگوا هم شیعه دارند، ولی رشد چندانی نداشته‌اند. اما آرژانتین امتیازاتی دارد؛ چراکه اولاً، به دلیل وجود جامعه شیعیان یکی از کشورهای است که از طرف جمهوری اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و دوم اینکه، طلاب آرژانتینی در حد 5 تا 15 سال درس خوانده‌اند، حال آنکه طلاب کشورهای دیگر تا الان یک سال یا دو سال بیشتر نتوانسته‌اند درس بخوانند.

تعداد طلاب آرژانتینی چند نفر است؟ و تعطیلات مدارس چگونه است؟

حدود 6 نفر هستند. وقتی اینجا درس‌ها تمام می‌شود، فعالیت در آرژانتین آغاز می‌شود. تابستان آنجا مصادف با زمستان پنجاست. من خودم 12 سال است که آنجا مشغول هستم. یک نفر که در همانجا درس خواند، 13 سال است که مشغول فعالیت می‌باشد. الان 3 نفر طلبه حضور دارند و ما غیر از این دوره کوتاه مدت، اکنون برای آمریکای لاتین دوره پنجم را گذاشته‌ایم که حدود 30 نفر شرکت کرده‌اند. ما و برادران ایرانی در آنجا در طول دو ماه تدریس می‌کنیم و بعد برمی‌گردیم.

یا خانواده‌های طلاب با آنها مخالفت نمی‌کنند؟

ما مشکلی به آن صورت نداشتیم؛ فکر می‌کردند که بین یک پدیده جدیدی است و چون الان جوان است دنبال این چیزهاست. بعد که دیدند مسئله جدی است، فقط نگران مسئله جنگ بودند. ولی الحمدلله خیلی احترام و پشتیبانی و دفاع می‌کنند. به دلیل آن انفجارات و فشار صهیونیست‌ها، وقتی در تلویزیون می‌آمدیم ما را به عنوان تروریست می‌شناختند. اما خانواده‌ها به ما کمک کردند تا توانستیم درس بخوانیم. ولی بعضی‌ها ممکن است به دلیل تبلیغات سوء، از اینکه بچه‌هایشان به این سو ببینند هراس داشته باشند. ولی وقتی به این سو می‌یند و با آنها صحبت می‌کنیم و آشنا می‌شوند، کم‌کم مشکل برطرف می‌شود. بحمدالله تا به حال مشکل خاصی نبوده است، مگر موارد استثنایی.

(برخورد مسیحیان با شما و دیگر مسلمانان چگونه است؟)

به طور کلی، چون اسلام واقعاً محبوبیت دارد، ینها نمی‌توانند حرفی بزنند. برخی از مسیحیان به خاطر خیالاتی که دارند فکر می‌کنند ما عقب‌مانده‌ایم و دینی را پذیرفته‌ایم که عقب‌تر از مسیحیت است. اما وقتی ما صحبت می‌کنیم، یک حالت احترام‌آمیز پیدا می‌کنند یا دست‌کم سکوت می‌کنند. البته ما به آنها می‌گوییم که ما حضرت مسیح را هیچ وقت رها نکرده‌ایم و حتی نسبت به قبل احترام بیشتری به ایشان می‌گذاریم. از نظر کلیسا تا چند قرن پیش یک فرد مثل من مرتد به حساب می‌آمد و او را می‌کشند، ولی الان وضعیت بهتر شده است و کنترلی در این زمینه ندارند. هنوز هم بعضاً وقتی می‌بینند که بحث‌هایی انجام می‌دهم می‌گویند نه تنها مرتد شده، بلکه علیه ما تبلیغ هم می‌کند. این مسئله در گذشته قابل بخشش نبود. از طرف دیگر، ما کشیشان را خیلی دوست داریم؛ آنها مسجد می‌یند و رابطه‌ای خوبی با آنها داریم. چندی پیش یکی از آنها را به اینجا دعوت کردیم. او به حرم حضرت معصومه (س) آمد و تحت تأثیر قرار گرفت؛ و خیلی گریه می‌کرد؛ می‌گفت: خدا را اینجا پیدا کردم. بعد که برگشت، با او مصاحبه کردند؛ گفتند: شما چطور رفتید به یک کشور تروریست؟ گفت: چه می‌گویید؟ آنجا مردم با خدا هستند، حال آنکه اینجا کلیسا خالی است و این همه فساد وجود دارد. صحبت‌های او از تلویزیون ما پخش شد؛ خیلی جالب صحبت می‌کرد. حتی با رئیس کلیسا هم ملاقات کرد. رئیس کلیسا تحت تأثیر حرف‌های ایشان قرار گرفت و از او دفاع کرد؛ چون یهودی‌ها می‌خواستند ایشان را اخراج کنند.

یا شیعیان، قبرستان مخصوص به خود دارند و اعمال مربوط به دفن را خودشان انجام می‌دهند؟



بله ما قبرستان داریم. هر چند صاحبان ین قبرستان شیعیان هستند، ولی سنی‌ها هم آنجا می‌یند. ین قبرستان از قبل از انقلاب بوده است. در آنجا کفن و دفن و... همه به دست شیعیان است و احکام در آنجا رعیت می‌شود.

در خاتمه اگر در زمینه «تبلیغ وضعیت شیعیان و کمکی که ما می‌توانیم داشته باشیم و نیز راهکارهایی که شایسته است انجام شود صحبتی دارید بفرمید.

ما مدیون شما هستیم؛ مدیون انقلاب، امام راحل، علماء، شهدا و رهبر عزیز و نیز اساتیدی که ما را دعوت کردند بری درس خواندن. و ما که مسلمان نبودیم توانستیم راه را پیدا کنیم. مسئله‌ی که اخیراً در آمریکای لاتین اهمیت پیدا کرده است، مسئله هسته‌ی است. شما می‌دانید در مسئله هسته‌ی در بین کشورهای جهان سه کشور در سازمان ملل به نفع ایران رأی دادند: سوریه (که کشور مسلمان است)، کوبا و ونزوئلا. کوبا و ونزوئلا از آمریکای لاتین هستند. رابطه خوب و صمیمانه‌ی بین ونزوئلا و ایران وجود دارد. زمینه و شریط در آمریکای لاتین عوض شده است؛ برخی از کشورها مثل اکوادور و نیکاراگوا با ینکه خیلی تحت فشار هستند دولت‌هی دوست جمهوری اسلامی به شمار می‌یند. از ین رو، ین مسئله خیلی اهمیت پیدا کرده است. اکثر کشورهای آمریکای لاتین به زبان اسپانیولی صحبت می‌کنند. درخواست ما ین است که علماء و اساتید بیشتری به ین زبان بدهند و آن را یاد بگیرند. مسئله تبلیغ، بیشتر در منطقه آسیا و اروپا یا آفریقا صورت گرفته است و قاره «آمریکا کمتر از آن بهره برده است. در آنجا با ینکه کاری انجام نشده است، بهترین دوستان جمهوری اسلامی وجود دارند. از ین رو، زمینه خیلی مناسب است. آیت‌الله مصباح از شخصیت‌هی هستند که به آنجا رفتند. آیت‌الله سبحانی و برخی دیگر از علماء نیز به آمریکای لاتین سفر کردند. آقی مصباح کتابی نوشت که در آن از ابراز محبت و دوستی شیعیان نسبت به جمهوری اسلامی و علماء ابراز تعجب کرد. بسیلی از روسی کلیسا و دانشگاه‌ها و بعضی افراد که در دولت هستند و کلاً جامعه آنجا در ین زمینه آمادگی دارد. بنابراین، بید در ین زمینه کار شود و زبان یک مانع مهم است. ان شاء الله شاهد آن در حوزه قم باشیم.

-----پاسلام و مسلمانان در آرژانتین

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: آرژانتین از کشورهای آمریکای جنوبی است که اگر چه نسل‌های گذشته اقلیت مسلمان در این کشور از ضعف فرهنگ دینی رنج می‌بردند، اما اینک نسل مسلمان فعال بوده و با انسجام و یکپارچگی بیشتری به اشاعه تمدن و فرهنگ اسلام اقدام می‌کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، آرژانتین کشوری است در آمریکای جنوبی که پایتخت آن بوینس آیرس است، زبان آنها اسپانیایی و دین آنها مسیحی است.

آغاز ورود اسلام به آرژانتین به درستی مشخص نیست، اما برخی از دستنوشته‌های اسلامی کشف شده در برزیل و کوبا نشان می‌دهد که مسلمانان در این سرزمین قبل از آنکه از نظر جغرافیایی کشف شود، زندگی می‌کردند و مسلمانان اسلام را میان ساکنان اصلی این منطقه اشاعه دادند. از سوی دیگر شواهد و قرائن تاریخی نشان می‌دهد دریانوردان مسلمان به ساحل دریا آمدند که آن زمان برای جهان مجهول بود که به آن آخر دنیا یا دریای تاریک می‌گفتند.

تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که گروهی از بردگان آفریقایی که برخی از آنها مسلمان هم بودند، وارد آرژانتین شده و برای فروش به بازارهای آمریکای شمالی و جنوبی فرستاده شدند و به اشاعه اسلام اقدام کردند.

اما اولین هجرت مسلمانان به کشورهای آمریکایی چون آرژانتین حدود 140 سال پیش از سوی کشورهای سوریه، لبنان و فلسطین صورت گرفت که در پی جنگ جهانی اول و دوم این هجرتها افزایش یافت. مهاجران مسلمان با حفظ شخصیت و هویت فرهنگی و تمدنی خود هجرت کرده و در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن کشور نیز مشارکت کردند، به طوری که می‌توان از آنها به عنوان بهترین فرستادگان دین و فرهنگ اسلام نام برد که سفیران آموزش، پرورش، ابداع و هنر بودند و ضمن ترجمه قرآن به زبان اسپانیایی، هزاران نفر را در این قاره مسلمان کردند.

اگر چه نسل‌های گذشته از مسلمانان آرژانتین از ضعف فرهنگ دینی رنج می‌بردند اما اینک نسل مسلمانان فعال بوده و با فرهنگ اسلامی به صورت وسیع بهره مند هستند. بیشتر مسلمانان در مؤسسات معتبر مانند دانشگاهها و مراکز اقتصادی فعالیت می‌کنند و نقش بزرگی در زمینه تجارت دارند.

سازمان اسلامی آمریکای لاتین و دریای کارائیب حدود 10 سال پیش بعد از گردهمایی 11 کشور با رهبران مسلمان در قاره آمریکای لاتین تأسیس شد تا به برقراری ارتباط با کشورها اسلامی اقدام کند. این سازمان به بیداری دینی مسلمانان و برگزاری نشستهای مختلف اقدام می‌کند و سعی در ایجاد ارتباط با مسلمانان، حفظ وحدت و انسجام آنها دارد.

این در حالی است که برخی از کشورهای اسلامی این سازمان را در راستای آموزش روخوانی قرآن، آموزش مبانی اسلام، ترجمه قرآن به



زبانهای اسپانیایی و توزیع کتابهای اسلامی یاری می کنند. تأسیس مؤسسات و سازمانهای اسلامی زمینه ای برای ساماندهی و بهبود ارتباط در رسانه های گروهی را ایجاد کرده است.

مسلمانان آرژانتین از مشکلاتی رنج می برند که از مهمترین آنها عدم ارتباط با کشورهای اسلامی است، از این رو طی سالهای اخیر تلاش شده تا بیداری دینی در ارتباط با کشورهای اسلامی ایجاد شده و ارتباط با مسلمانان آمریکا شکل وسیع تری گیرد. از سوی دیگر تأسیس شبکه های ماهواره ای، زمینه ای برای ارتباط با جهان اسلام و مسلمانان آرژانتین ایجاد کرده است.

نبود مبلغ مسلمانی که به زبان اسپانیایی آشنا باشد و همچنین نبود قرآنهایی به زبان اسپانیایی از دیگر مشکلات مسلمانان در آرژانتین است.

البته مسلمانان آرژانتینی از امتیازاتی نیز برخوردار هستند. به مسلمانان این کشور اجازه رسمی داده شده تا اعیاد قربان و فطر مناسک خود را به جا آورند. همچنین در فرودگاه بوینس آیرس نمازخانه بزرگی ساخته شده است که مسلمانان با آزادی کامل می توانند شعائر دینی خود را به جا آورند و مسئولان مسلمان نیز در آن شرکت کنند.